

مجموعه صرف و نحو مطبوعه محله

۱	۲	۳
میشران	منشعب	پنج کنج
۴	۵	۶
زبد	صرف میر	دستور المبتدی
۷	۸	۹
فصول البری	خلاصه الصرف	ابنیه الافعال
۱۰	۱۱	۱۲
تشخیص اوتاق	خلاصه	تعلیقات
		نحو میر

درین مجموعه بیست و دو کتاب صرف و نحو

مجلدست فقط

قَالَ اللَّهُ اِيْتُوا اِيَّاهُ وَلَا تَتَنَزَّلُوا
 عَلَيْهِ سَاوِرًا بِالْقِسْطِ اَلْمِيزَانِ

الحمد لله که از مجموعه صرف که با حواشی عجیبه فوائد غریبه بطبع میگردند



بنا بر این باز در هم شهرهای اولی السنه الهجری بطبع میگردند

مَدِينَةُ
 مَدِينَةُ
 مَدِينَةُ
 مَدِينَةُ

نیک نخت که ترا خدای تعالی در هر دو جهان
که جمله افعال متصرفه بر سه گونه است ماضی و مستقبل و حال

مستقبل حال هر چه جزین به خیرست متصرف است هم زین

اما ضی فعلی را گویند که بزبان گذشته تعلق دارد و آن

اوستنی باشد بر فتح قلت حروفه او کثرت

که بعارض چون فعل فعل فعل فعل

چون ضرب سمع کرم یغتر، فعل

را گویند که بزبان آینده تعلق دارد و آن را مرفوع باشد

که بعارض چون یفعل یفعل یفعل یفعل

ن یضرب یسمع یکر یبعثر

مستقبل حال هر چه جزین به خیرست متصرف است هم زین
اما ضی فعلی را گویند که بزبان گذشته تعلق دارد و آن
اوستنی باشد بر فتح قلت حروفه او کثرت
که بعارض چون فعل فعل فعل فعل
چون ضرب سمع کرم یغتر، فعل
را گویند که بزبان آینده تعلق دارد و آن را مرفوع باشد
که بعارض چون یفعل یفعل یفعل یفعل
ن یضرب یسمع یکر یبعثر
مستقبل حال هر چه جزین به خیرست متصرف است هم زین
اما ضی فعلی را گویند که بزبان گذشته تعلق دارد و آن
اوستنی باشد بر فتح قلت حروفه او کثرت
که بعارض چون فعل فعل فعل فعل
چون ضرب سمع کرم یغتر، فعل
را گویند که بزبان آینده تعلق دارد و آن را مرفوع باشد
که بعارض چون یفعل یفعل یفعل یفعل
ن یضرب یسمع یکر یبعثر

ست معروف مجهول هر کس را این خبر در گوشت اثبات لغنی

بحث اثبات فعل ماضی معروف

فَعَلَ فَعَلًا فَعَلُوا فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْنَا فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ فَعَلْتُمْ

۴
کمی از آن در این عالم است و در این عالم است که

بحث اثبات فضائل محمول

کرده شد آن یک دور زمان گذشته صبیحه واحد مکر غائب بحضرت اثبات فعل ماضی مجهول

فَعِلْ فَعَلًا فَعُلُوا فَعَلْتُ فَعَلْتُمْ فَعَلْنَا فَعَلْتُمْ فَعِلُوا

(Handwritten Persian notes at the bottom of the page, partially obscured by the binding.)

بناسنی مای نفی را اول و در آرمای نفی در لفظ ماضی عیسی بن کن

چنانچه بودیم بر این یون باشد لیکن عمل در معنی یعنی مثبت را یعنی منفی

بحث تقنی فعل مضی معروف

ما فَعَلَ ما فَعَلًا ما فَعَلُوا ما فَعَلْتِ ما فَعَلْتِ ما فَعَلْتِ ما فَعَلْتِ ما فَعَلْتِ ما فَعَلْتِ

مردم و فضیلت و دوری از این عالم و از این عالم و از این عالم

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

ما قبل ما بعد

ما فعلت بحسب تنقيح ماضى مجهول ما فعلت

کردم نشد آن بکبر در زمان گذشته سیغ و واحدی که غائب بخت نفعی فعلی محمول ۱۲

ما فَعِلَ ما فَعِلَ ما فَعِلُوا ما فَعِلْتُ ما فَعِلْتُمَا ما فَعِلْتُمْ

مَا فَعَلْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ

فصل امین کہ گفتند بحث نفی فعل ماضی بود چون اے کی مضامینا

از علامت مضاع در اول و در آخر علامت مضاع چهار

فرستادند تا دوا و نون که مجموع وی استین باشد الف و حان
 الف و حان دوا و نون که مجموع وی استین باشد الف و حان

کتاب نفس متکلمه است و تباری هشت کلمه است از ان مذکر حاضر

و سوال در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است

و سه ازان مرئوس حاضر است و در ازان واحد متنی نیست

راست یار ای چهار کلمه است ازان مذکور غایت است جمع

مرئوس است نون ثنیه جمع حکایت نفس مستکلم مذکور مرئوس

فعل مضارع مرئوس

فعل یفعلون یفعلون یفعلون یفعلون یفعلون یفعلون

فعل یفعلون یفعلون یفعلون یفعلون یفعلون یفعلون

فصل این که گفته شد بحث اثبات فعل مضارع مرئوس چون

که فعل مضارع مجهول بنا کنی علامت مضارع را ضمیه و عین کلیم را

و سوال در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است

و سوال در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است

و سوال در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است و در این باب که در این کتاب مذکور است

فتمه در دو حال لام کلمه ابر حالت خود بخدا از نا مجهول گردد
 یعنی اگر مضمر کم کسور باشد و اگر مفتوح باشد حاجت ندارد

بحث اثبات فعل مضارع مجهول

يُفْعَلُ يُفْعَلَانِ يُفْعَلُونَ تَفْعَلُ تَفْعَلَانِ تَفْعَلُونَ
 تَفْعَلُ تَفْعَلَانِ تَفْعَلُونَ تَفْعَلُ تَفْعَلَانِ تَفْعَلُونَ
 تَفْعَلُ تَفْعَلَانِ تَفْعَلُونَ تَفْعَلُ تَفْعَلَانِ تَفْعَلُونَ

فصل نهمیه گفته شد بحث اثبات فعل مضارع مجهول در جمل

که نفی بلا بنا کنی لای نفی اول در آرد و لا نفی لفظ مضارع مجهول

چنانکه در بهر طریقی باشد لیکن عباد معنی کن یعنی مثبت را یعنی منفی

بحث نفی فعل مضارع معروض

در همه کلمات عمل بر معنی بخند یعنی ضعیف فعل مضارع را بعضی با هم می خوانند

بحث نهمی حیدر یلم در فعل مضارع معروض

لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ

لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ

لَمْ یَفْعَلْ بحث نهمی حیدر یلم در فعل مضارع مجهول لَمْ یَفْعَلْ

لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ

لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلْ

فصل پنجم که گفته شد بحث نهمی حیدر یلم بر چون خوانی که لام تا کی

در همه کلمات عمل بر معنی بخند یعنی ضعیف فعل مضارع را بعضی با هم می خوانند
بحث نهمی حیدر یلم در فعل مضارع معروض
لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ
لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ
لَمْ یَفْعَلْ بحث نهمی حیدر یلم در فعل مضارع مجهول لَمْ یَفْعَلْ
لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ
لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلُوا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلَا لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَفْعَلْ
فصل پنجم که گفته شد بحث نهمی حیدر یلم بر چون خوانی که لام تا کی

[illegible]

بحسب التام كيد بنون ما في قلوبهم فاعلموا

لِيَفْعَلَنَّ لِيَفْعَلَنَّ لِيَفْعَلَنَّ لِيَفْعَلَنَّ لِيَفْعَلَنَّ

تَفْعَلْنَ تَفْعَلَانِ تَفْعَلِينَ تَفْعَلْنَ تَفْعَلَانِ تَفْعَلِينَ

فَعَلْنَا بِكَ مَا تَبَاغَىٰ عَلَيْهِ الْمَلِكُ ۖ وَمِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۖ

[illegible]

١٤٠

سبب چو یکی ازین دو امر
 فروند جواب
 انون خفیه الف
 سید و فخر
 مع نام می آمد که
 اخذ می کرد
 از دست
 که از الف
 می می افتد
 سبب لازم می
 باشد
 البته الف خفا
 می یابد در زبان
 شده میوه واحد
 که غیب بحث
 م تا که با وزن
 که فقیه حق
 سبب ۳۰ و ۳۱

ادون

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

لا فعلن بحسب ما كيد انون كيد خفيه فعل لا فعلن

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

این که گفته شد بحث فعل مضارع بود چون جای که مریدان می آمدند

رقم میشود از فعل مضارع غایب از غائب حاضر حاضر معروض

معروف مجهول مجهول مستقیم از مسکون خاکی که آفتاب و زمین و آسمان

معدنی شکر از غلات بسیار خفوف در مجامع است بسیار خفیف

علامت سفارح اخذت کن بعدد دیگر شکر که میانه یا سکن اگر شکر که میانه

ایسا کن کہ اگر حرف علی باشد چون از تعدد و از تضاد صحت حاصل شود

نمبر اول در آخر اسکن کن اگر حرف علت بنشینم

شعر
شعر و از نظر حاضر و اگر باشد ما طوطی چون این ترغی از دوا خوشی

اگر عین مضموم باشد بمزید وصل مضموم در اول و آخر و آخر را کن

اگر حرف نیا شد چون از تضرع و انصراف و اگر باشد ساقط شود چون

زندگى خود را چو خنجر اى حاضر مېوان امر غائب و فایم هول بنائى

علامت شروع راضف کن بعد و بکر تحرک میانه یا ساکن اگر تحرک میانه
 یا ساکن کن اگر حرف علت باشد چون از تعدد و از تضاد صم و ال یا
 قطع و چون تقوی و اگر ساکن میانه یا ساکن کن اگر عین کلیمه یا
 بمره وصل شود اول و آخر را ساکن کن اگر حرف علت باشد چون از شمع
 از شمع و از تضاد صم و اگر باشد ساقط شود چون از ترمی و از خوشی
 و اگر عین کلیمه مضموم باشد بمره وصل مضموم در اول و آخر را ساکن
 اگر حرف علت باشد چون از تضاد صم و اگر باشد ساقط شود چون
 از ترمی و از خوشی و چون ای امر صم و ای امر غایب و ای مجهول بنا

لَا فَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ غَائِبٌ مَجْزُولٌ نُونٌ ثَقِيلَةٌ لَفَعْلَكَ

لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ

لَا فَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ ضَرْعٌ رُفٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ لَفَعْلَكَ

لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ حَاضِرٌ مَجْزُولٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ لَفَعْلَكَ

لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ غَائِبٌ شَرْعٌ رُفٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ لَفَعْلَكَ

لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ

بَحْثًا مَرَّ غَائِبٌ مَجْزُولٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ

لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ

لَا فَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ غَائِبٌ مَجْزُولٌ نُونٌ ثَقِيلَةٌ لَفَعْلَكَ
لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ
لَا فَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ ضَرْعٌ رُفٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ لَفَعْلَكَ
لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ حَاضِرٌ مَجْزُولٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ لَفَعْلَكَ
لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ بَحْثًا مَرَّ غَائِبٌ شَرْعٌ رُفٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ لَفَعْلَكَ
لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ
بَحْثًا مَرَّ غَائِبٌ مَجْزُولٌ نُونٌ خَفِيفَةٌ
لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ لَفَعْلَكَ

فصل اینست که گفته شد بحث امر بود چون خواهی که نهی نباشی پس

بانی در او گش در آرد لای نمی در آخر فعل مضارع درج محل ختم

مثل لم کرو یا آخر حرف باشد اگر باشد ساقط گرداند و از نیست
چون زری لا زم ۱۲

نونا عربی اہم ورناید ورنو حال لفظ مضارع بیج عمل کن و
 ای لای نونی ۱۲

تاکیه چنانکه در فعل مضارع می آید هم بر این طریق در نهی می آید

بحث نفی ما ضرعروت

لا تَقْعَلْ لِنَفْسِكَ مَا لَا تُفْعَلُ وَلَا تَقْعَلْ لِمَنْ لَا يُفْعَلُ

بحث نہی حاضر جمہور

لا تَقُلْ لَإِسْئَاءِ الْاِسْمَاعِيلِ لَا تَقُلْ لَإِسْئَاءِ الْاِسْمَاعِيلِ

بحث نھی غائب معروف

^{٥٢} لا يَفْعَلْ لَا يَفْعُلَا لَا يَفْعِلُوا لَا تَفْعَلْ لَا تَفْعُلَا لَا تَفْعِلُوا

لا فاعلٌ بحثُ نفي غائب مجهول لا فاعلٌ

لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ

لاؤگل بحث نہی حاضر معروف بانوں ثقیلیہ کا نام

لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ لا تَقْعَلْ

بحث پنجم خضر مجنون و نوح نقیہ

۱۲
 چهل
 ۱۳
 آینه صحنه مهر
 آن یک دور
 باد که کرده نشو
 غائب مردن
 ۱۴
 در خانه غریبی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

لا تُفْعَلُ لا يُفْعَلُ لا يُفْعَلُ لا يُفْعَلُ لا يُفْعَلُ

بحث نہی غائب معرو باون ثقلیہ

لا يَفْعَلْنَ لَا يَفْعَلَنَّ لَا يَقَعَنَّ لَا يَقَعَنَّ لَا يَقَعَنَّ لَا يَقَعَنَّ

لا اقلن بحشني غائب لاني نون تقيدي كاشمير

لا يُعْلَنُ لا يُفْعَلُ لا يُفَعَّلُ لا يُفْعَلُ لا يُفَعَّلُ لا يُفَعَّلُ

لا امكن بحث نظم حاضر معرو بانو خضيه لا يمكن

لا تَعْلَمَنَّ لَأَعْلَمَنَّ بِحَقِّ مَا تَصِفُونَ أَلَا نَحْمَدُكَ يَا نُورُ خَفِيَّةٌ لَا تَعْلَمَنَّ

لا تَقْلِبْ كَقْلِبِ مَنْ حَتَّى غَابَ بِمَعْرُوبَانِ مِنْ خِصْمِهِ لَا تَقْلِبْ

لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ
 بحث ننی غائب معروبانون ثقیله
 لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ
 لا اَفْعَلَنَّ بحث ننی غائب محبوبان نون ثقیله لا تَفْعَلَنَّ
 لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ لا یَفْعَلَنَّ
 لا اَفْعَلَنَّ بحث ننی حاضر معروبانون خفیه لا تَفْعَلَنَّ
 لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ
 لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ
 لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ لا تَفْعَلَنَّ

۱۰۸

لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ لا يَفْعَلُ

وَمِنْهُ وَأَفْضَلُ مَضَاعٍ مَعْرُوفٍ عَلَامَتُهُ رَاخُفُ الْإِبْرَانِ

فَمِلْكٌ فَمِلْوَةٌ فَاعِلَةٌ فَمِلْكَانِ فَمِلْكٌ

[illegible][illegible]

فصل اینهمه که گفته شد بحث با فاعل بی چون و چرا است که اسم مفعول بنا

اسم مفعول ساخته میشود از مضارع مجهول پس علامت مضارع را حذف

کن عبد از ان میم مفتوح در اول و در آخر عین کلمه ناضبه و میسان

عين لام واو مفعول آرو لام كلمه اتونين و اما اسم مفعول كذا

بحث اسم مفعول

مفعول مفعولان مفعول

نام

شیخ عبدالرحمن

بر مال نظامی و غیر نظامی و غیره